

و ذوات آن نیز در خارج است هر چند وجود آنها در خارج نباشد و  
تفرقه در میان بودن خارج طرف نفس ذات و میان بودن آن طرف  
وجود در محل خود مقرر شده است و هر گاه وجود عام مطلقا است یا که خارج  
طرف ذوات آنها است چنانچه ذات نفس وجود ممکن بطور حکما و متکلیف  
محیط نباشد دلیل بر بودن آن وجه الوجود اقامت کرده اند تمام خواه  
بود و در قول خواهد که اینها در اجتزات واجب الوجود احتیاج نیست  
در تحقق نفس اندری و نه محذوفات انفسها در خارج بدون آنکه خارج  
طرف وجود آنها باشد بلکه در ضرورت احتیاج با ثبات وجود و است  
تعالی شان در خارج خواهد شد و مذمت جدید باطل خواهد گشت و مذ  
عندیکه عالم را واجب تعالی او را معدوم میدانند ثابت خواهد شد و چون  
مذمت عدیمه قریب بمذمت سوفیایه است همچنین محقق ترین افراد  
سوفیایه خواهد بود عزیز من اگر مذمت عدیمه صحیح باشد باطله محقق  
اشیا در نفس الامریه بدون ایجاد موجدین خواهد بود معبود الله و با  
مکن خواهد شد و کفر زانی است که با وجود اعتبار است مذکور و تحقیق  
نفسان هر کلی قابل سفته فاسد آبی را مصداق اعم المقهورات که هم  
موجود است دانند و منشا را این کفر است قول موجود مثل افلاطون  
اگر چه تفاوت باشد و هر چند آن قول پیش اتباع افلاطون مثل سقراط

نعم

مستقل صاحب حکم اشراق از ظاهر صرف و مؤول است  
در احاطه آن مفهوم عام اعتبار کنند در آن مصداق نیز اعتبار کنند  
و این کلام نیز مذمت بر تشبیه باصل و همیونی تعالی عن ذلک علی الابرار  
و برین دو سخن جزا متفرج کرده که تفصیل آن در مقام کمال  
نثار و در جنانچه فرق است در میان دو سخن بر همین معانی و مطالب  
فروق دارند بلکه اصل مطالب این است و چون این مرتبه  
نصو ریاضیالی و تجویز عقلی نیست و دلالت بر وقوع ندارد و برای تحقق  
و عین از خارج می باید و اصحاب این مذمت دلیل بر اثبات آن  
نداشته اند لاچار ثبوت آنرا حواله بر مکاشفه کرده اند و اعراض  
بر اثبات فحش تمام کرده اند و از استخالات عقلیه و تشبیه بکار  
بر بسیم چشم پوشیده اند و غریب تر آنکه صوفیه در فریق اندر و او  
مکاشفه می نمایند و مکاشفه یکی ازین دو گروه و اقیست مذ  
اهل سنت و جماعت چنانچه در کتب خود عقاید خود را ذکر نموده اند  
و مکاشفه قوم دوم مخالفت تمام دارد و مذمت اهل سنت و عبادت  
و مذمت فریق اول از صوفیه و با این همه جمال اعتقاد و محقق  
حقیقه طایفه آخر که مخالفت تمام دارد و تمام فرق اهل حق از صوفیه  
و عقبا و متکلیف میکنند و اینها اعوان می نمایند عزیز من می باید